

در بدرقه هوشنگ وزیری

لندن با یک رسالت تاریخی بزرگ که همانا آزادی ایران است منتشر می‌شود.

نثر فارسی و سبک نگارشش مخصوص و محدود به خود او بود بطوری که اگر مقاله‌ای می‌نوشت و اسمش زیر آن نمی‌آمد، خواننده از سبک و سیاق کلام، بافت جملات و عبارات و مهمتر از همه ساخت واژگان معادل می‌توانست دریابد که کار، کار هوشنگ وزیری است و لاغیر.

احاطه‌اش به فلسفه سیاسی از یک سو، ممارست و تمرینش در نوشتن تفسیرهای سیاسی به وی امکان می‌داد که یک خواننده متعارف را براحتی به درک مفاهیم دشواری از فلسفه، جامعه‌شناسی و علم سیاست راهبر شود.

وزیری از مخالفان سرسخت رژیم جمهوری اسلامی بود و در راه این مخالفت مانند بسیاری از روزنامه‌نگاران آگاه و آزاداندیش در همان سال اول انقلاب مجبور به جلای وطن شد.

او در خانواده محترم و خوشنامی در ساری متولد شده بود (بهمن ۱۳۰۹). پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، به تهران آمد و تحصیلات متوسطه‌اش را در دبیرستان دارالفنون به پایان برد و سپس برای تکمیل تحصیلات در رشته علوم سیاسی عازم آلمان شد.

هوشنگ وزیری که در سالهای جوانی مدت کوتاهی عضو سازمان جوانان حزب توده ایران بود بزودی از صفوف این حزب خارج شد و به حزب نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی پیوست. وزیری تا پایان عمر از هواداران طرز فکر ملکی بود و به همین سبب هنگام تحصیل در اروپا به جامعه سوسیالیستهای ایران پیوست.

او پس از مراجعت از آلمان و ازدواج با همسرش، خانم نادره فلاح بردبار، به کار مطبوعات روی آورد و به توصیه خلیل ملکی به مجله فردوسی رفت و کار ترجمه مقالات سیاسی و تفسیرهای هفتگی را در این مجله که به سردبیری عباس پهلوان منتشر می‌شد و پایگاه روشنفکران آن روز بود، آغاز کرد.

همزمان با کار در مطبوعات باز هم به تشویق خلیل ملکی، او به ترجمه آثار مهم سیاسی از جمله نوشته‌های لئوتروتسکی دست زد و ترجمه‌های او در آن زمان در تهران با استقبال فراوان کسانی که به روزگار و سرنوشت بزرگترین مخالف استالین علاقه داشتند، روبرو شد.

از جمله کتابهای ترجمه شده او که به وسیله ناشران

در نخستین ساعات بامداد پنجشنبه گذشته ۱۳ شهریور ۱۳۸۲ (۴ سپتامبر ۲۰۰۳) جامعه روزنامه‌نگاری ایران و کیهان چاپ لندن یکی از آگاه‌ترین، شریفترین و صمیمی‌ترین اعضای خود را از دست داد.

هوشنگ وزیری سردبیر کیهان چاپ لندن به دنبال یک بیماری کوتاه و ناگهانی در بیمارستان «ویل ژویف» پاریس درگذشت.

نام هوشنگ وزیری بی‌شک نامی ماندگار در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران خواهد بود. او در طول مدتی بیش از چهل سال، چه در ایران و چه در خارج از ایران نزد همگنان به عنوان روزنامه‌نگاری مسؤول، سردبیری با حسن تشخیص و مدیری فعال شناخته شده بود.

او در این سالها، با تفسیرهای سیاسی و سرمقاله‌های اساسی‌اش که در روزنامه کیهان به چاپ می‌رسید، در حقیقت سخنگوی این روزنامه و خط مشی سیاسی آن بود و این خط مشی را با صراحت، بدون اعوجاج و کژ و مژ شدنهای فرصت طلبانه دنبال می‌کرد.

کیهان به لطف شناخت عمیق او از مسایل سیاسی - اجتماعی روز و تسلط وی به چند زبان زنده دنیا توانست در این سالهای سخت غربت و مهاجرت به پایگاه اندیشمندانی بدل شود که عشق به ایران، آزادی و مردمسالاری و رهایی مردم از بند استبداد دینی و جهل و خرافه، دلمشغولی اساسی آنهاست.

وزیری در کار سردبیری سختگیر، دوست‌ناشناس، توصیه‌ناپذیر و استوار بود. تحت تأثیر جو احساساتی روز و فضای پیرامونیش قرار نمی‌گرفت و در عین حال در عرصه برخورد افکار و آراء متفاوت و ای بسا مخالف، سعه صدر و تحمل از خود نشان می‌داد.

او صفحات کیهان را به آوردگاه نظرات و اعتقادات گروههای متفاوت مبدل ساخته بود و معتقد بود که در این میدان، بُرد با آن کس است که دلایل قوی و معقول داشته باشد و به رگهای گردن به هنگام طرح حجت خود متکی نباشد.

وی همواره در صدد کشف استعدادهای تازه در روزنامه‌نگاری خارج از کشور بود و تنی چند از نویسندگان جوان کیهان امروز به اصطلاح خودش از «اکتشافات» او هستند.

سختکوشی و پرکاری او برای انتشار یک روزنامه هفتگی با آبرو و معتبر مثل زدنی است و مثال عالی وجدان حرفه‌ای محسوب می‌شود. او تا آخرین روزهای سلامت و حتی آخرین ساعات لحظه‌ای از مسؤولیت بزرگش غافل نبود و باور داشت که کیهان

معتبری مانند فرانکلین به چاپ رسیده است باید از «زندگانی من - خاطرات لئوتروتسکی»، «چرخشهای یک ایدئولوژی»، «محکومان به مرگ» نام برد و مخصوصاً از بیوگرافی بزرگی که توسط ایزاک دویچه زندگینامه‌نویس مشهور لهستانی درباره تروتسکی در سه جلد نوشته شده یاد کرد. وزیر این کار بزرگ را مرهون تشویق و اصرار خلیل ملکی می‌دانست و خلیل ملکی نیز در نامه‌هایش که اخیراً به صورت کتابی توسط دکتر امیر پیشداد و دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان به چاپ رسیده چندین بار از او یاد کرده و هم در این کتاب یک نامه از خلیل ملکی با عنوان «دوست عزیزم وزیر» خطاب به او چاپ شده است.

وزیر همزمان با کار در مجلات هفتگی تهران در ویراستاری، تنظیم و چاپ فصلنامه ارزنده «فرهنگ و زندگی» که توسط وزارت فرهنگ و هنر و به سردبیری ناصر نیر محمدی چاپ می‌شد نقش ارزنده‌ای داشت و همکاری با این ماهنامه را که معمولاً هر بار به یک موضوع جداگانه اختصاص می‌یافت با علاقه و دلسوزی انجام می‌داد.

بعد از انتشار روزنامه آیندگان که اولین روزنامه صبح

ایران بود، وزیر به دعوت داریوش همایون به این روزنامه رفت و پس از مدتی به عنوان سردبیر آیندگان عهده‌دار انتشار وزین‌ترین روزنامه صبح مملکت گردید. در این روزنامه وزیر با تشویق استعدادهای جوان، نسل تازه‌ای از روزنامه‌نگاران را تحویل جامعه مطبوعات ایران داد. او تا انقلاب اسلامی بهمن ماه ۱۳۵۷ در آیندگان بود و پس از تحریم و تعطیل این روزنامه توسط آیت‌الله خمینی، یک سال دیگر هم در ایران ماند و سپس به خارج آمد و در خارج از کشور فعالیت‌های مطبوعاتی خود را دنبال کرد و از سال ۱۹۸۶ سردبیری کیهان چاپ لندن را برعهده گرفت.

سردبیر کیهان به هنگام مرگ ۷۳ سال داشت و همسر، دو فرزند و نوادگانش در سوگ از دست دادن شوهری مهربان و پدری نمونه داغدارند.

مدیر، نویسندگان و همکاران کیهان درگذشت هوشنگ وزیر را به خانم نادره فلاح بردبار (وزیر) همسر، خانم دکتر کتایون و آقای دکتر نادر وزیر فرزندان وی و توما (داریوش)، لوکا (سیروس) نواده‌هایش صمیمانه تسلیت می‌گویند و خود و جامعه مطبوعات ایران را در این غم شریک آنها می‌دانند.

هیأت تحریری کیهان